

ویژه

### پیشنهاد اخراج اسرائیل از سازمان ملل



معاون حقوقی بین‌المللی وزارت امور خارجه در نشست مشترک وزیران امور خارجه سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب خواهان اخراج رژیم صهیونیستی از سازمان ملل و تسلیحاتی این رژیم شد.
«کاظم غریب آبادی»، معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در نشست مشترک وزیران امور خارجه سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب که امروز یکشنبه ۲۰ آبان در ریاض با دستورکار رسیدگی به تجاوزات جاری رژیم صهیونیستی در فلسطین و لبنان، برگزار گردید، شرکت و سخنرانی کرد.
معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در این نشست که قبل از برگزاری نشست فوق العاده سران اسلامی عربی تشکیل شد، ضمن تشکر از عربستان سعودی برای برگزاری نشست اضطراری سران در شرایط وخیم کنونی منطقه، تحولات جاری در نوار غزه و لبنان را شرمی برای بشریت و بی عدالتی مضاغه، به ملتی عنوان کرد که برای بیش از هفت دهه تحت اشغال و تجاوز، از حقوق اساسی خود محروم شده است. غریب آبادی با اشاره به حمایت کامل ایالات متحده آمریکا و کشورهای غربی در تداوم جنایات رژیم صهیونیستی در منطقه از جمله جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، پاکسازی قومی، تبعیض نژادی و نسل کشی این رژیم علیه مردم بی دفاع فلسطین، تاکید کرد که رژیم صهیونیستی به عنوان فرزند نامشروع غرب از هر گونه پاسخگویی و مسئولیت در امان مانده است و در چنین شرایطی، ملت فلسطین از حق مشروع دفاع و مقاومت در برابر اشغال و تجاوز برخوردار است و برای اعمال حق ذاتی خود، نیاز به کسب اجازه از هیچ طرفی ندارد.
معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه کشورمان ضمن تشکر از تلاش‌های جمعی و فردی کشورهای عضو، اقدامات صورت گرفته را ناکافی دانست و تاکید کرد که جمهوری اسلامی ایران انتظار دارد اقدامات عملی و موثرتری برای توقف جنایات این رژیم صورت گیرد.
نماینده جمهوری اسلامی ایران در نشست مشترک وزیران امور خارجه سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب با یادآوری مصوبات اولین نشست مشترک سران اسلامی عربی، خواستار توجه نشست فعلی به مواردی همچون برقراری فوری آتش بس در فلسطین و لبنان، بازگشایی گذرگاه‌های بشردوستانه، آزادی تمامی زندانیان فلسطینی، بازگشت کرامت‌مندانه آوارگان به موطن خود و ارسال کمک‌های بین‌المللی برای آغاز بازسازی در غزه شد.

رویداد

### احترام مردم ایران به مردم آمریکا

وزیر امور خارجه با تصریح اینکه مردم آمریکا تصمیم خود را گرفته‌اند، افزود: ایران به حق مردم آمریکا برای انتخاب رئیس جمهور مورد نظرشان احترام می‌گذارد؛ مسیر پیش رو نیز یک «انتخاب» است و این انتخاب با «اتهام» شروع می‌شود. سید عباس عراقچی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: آیا تور اسامعایل هنیه بلافاصله بعد از مراسم تحلیف رئیس جمهور ما را به یاد می‌آورد؟ همه می‌دانند چه کسی و چرا آن را انجام داد. وی افزود: اکنون، با انتخابی دیگر، یک سناریوی جدید با هدفی مشابه ساخته شده است: البته از آنجا که قائلن در واقعیت وجود ندارد، فیلمنامه‌نویسان یک کمدی پیش پا افتاده ساخته‌اند. کدام عقل سلیمی می‌تواند بآورد کند که یک قائل فرعی در ایران نشسته و با FBI نائین صحبت می‌کند؟ عراقچی ادامه داد: «اینجا حقیقتی وجود دارد که باید مورد توجه واقع شود: «مردم آمریکا تصمیم خود را گرفته‌اند، ایران به حق آنها برای انتخاب رئیس جمهور مورد نظرشان احترام می‌گذارد. مسری پیش رو نیز یک «انتخاب» است. و این انتخاب، با «اتهام» شروع می‌شودایران دنبال صلاح‌های هسته‌ای نیست، تمام‌این سیاست مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و محاسبات امنیتی ما است. اعتمادسازی به صورت متقابل مورد نیاز است. این خیابان یک طرفه نیست.»

استراتژیک

### نیاز حیاتی ترامپ به مهار نتانیاهو

«نتانیاهو را مهار کن تا به میز مذاکره برگردی» این فحوای تحلیل‌هایی است که تحلیلگران اغلب در واکنش اولیه پیرامون پیروزی دوباره «دونالد ترامپ» در انتخابات آمریکا مطرح کرد و حضور او بر سر میز مذاکره با ایران را فاصله گرفتن از سیاست‌های جنگ طلبانه بیونده زده‌اند؛ هشداری که در بطن خود پیشینه تاریخ مناسبات دو کشور را در کانون توجه نشانده و یادآور واقعیت‌های اثرگذار بر مصف‌گاه کنونی است. به گزارش ایرنا، در آخرین روزهای سال ۲۰۱۴ میلادی آغاز گفت‌وگوهای واشنگتن-هاوانا برای از سرگیری رابطه دیپلماتیکی که بیش از نیم قرن از قطع آن می‌گذشت، به رویدادی تاریخی تبدیل شد و بلافاصله پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌ها را متوجه تأثیر این تصمیم بر مناسبات میان ایران و آمریکا نمود تا «پاراک اوپاما» رئیس جمهور وقت آمریکا در اظهارات خود از چشم‌انداز حل موضوع هسته‌ای و پیامدهای آن بر نقش منطقه‌ای ایران سخن بگوید و بستن پرونده هسته‌ای ایران را سرِفصل ظهور ایران در قامت یک قدرت برتر خاورمیانه بداند. این اظهارات اوپاما نشان میداد آمریکا برای نخستین بار پس از چند دهه تلاشی نه چندان موفق برای دور نگاه داشتن ایران از محاسبات سیاسی در منطقه و جهان، سعی دارد با حل چالش هسته‌ای، به یکی از مهم‌ترین ندغذغه‌های سیاست خارجی آمریکا پاید دهد. تغییر جهت گیری سیاسی ایالات متحده نسبت به ایران از منظر بسیاری از نظران در راستای تحول استراتژی آمریکا در منطقه مهم خاورمیانه ارزیابی می‌شد و آنچه که به تعبیر مخالفان، نرشی و عقب‌نشینی در برابر ایران خوانده می‌شد، گامی به سوی خروج آمریکا از بن بست بحران خاورمیانه و برقراری مناسبات تازه با بازیگران مهم آن از جمله ایران ارزیابی میشد. اما دکتترین اوپاما و نگاهی که به کاهش اختلاف با طرف‌های دشمن از جمله ایران داشت، خلاف آن چیزی بود که ترامپ به عنوان جانشین او با ایفای نقش پلیس جهانی، گسترش الگوهای مداخله گروانه و بسط حوزه منافع ملی خود در پیش گرفت و کوشید دیگر بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای را به پیروی ازاهداف خود وادار کند یا دست کم میان خود و آنها هماهنگی به وجود آورد.

**اشتیاق نامتناهی برای گفت‌وگو**

متاثر از چنین طوبی و هدفی بود که نخستین حضور ترامپ در راس دولت آمریکا در همان تزل اولیو و حاکمان کشورهای عرسی را از وضعیت انزوا گوناهی که در راس‌های ریاست جمهوری اوپاما کمابیش تجربه کرده بودند و با به نمر رسیدن مذاکرات هسته‌ای بر هراسناکی آن افزوده شده بود، بیرون آورد و نگاه ویژه امریکایی به خاورمیانه را بر اس سیاست‌های خارجی کاخ سفید بازگرداند؛ روندی که زیر سایه اشتیاق نامتناهی رئیس جمهور غریقال پیش هسته‌ای به متحده برای کشاندن دوباره ایران به میز مذاکره و بازنویسی توافق هسته‌ای به جریان افتاده بود و در مسیر اجرا بر اعتماد به نفس انتلاف محور عبری- عربی به برابر ایران نیز می‌افزود اما در واقعیت، دولت مستعجل بود. پس از پاسخ نگرفتن از تقاضای دیدار با حسن روحانی، رئیس جمهور وقت کشور، سیاست قلدرمانانه ترامپ ایجاب می‌کرد که ایران را از طریق اعمال فشار به این گفت‌وگو ناچار کند و برای نیل به این هدف، دست دولتمردان تند و افراطی‌ای که به صراحت از ایدئولوژی‌های سطرطانی سخن می‌گفتند و بی برده ایران را اصلی‌ترین حامی تروریسم می‌خواندند، بیشتر باز بنگارد. به این ترتیب در کنار آنچه مستقیما به درخواست‌های پرشمار رئیس جمهور ماجراجوی کاخ سفید برای مذاکره هسته‌ای با ایران و بازنگری در برجام از قبال سایه ۱۲ بندی و بلندپروازانه و پیش‌شرط‌های ناممکن پمپئو برای مذاکره از تباط داشت، طرف امریکایی به نحو غیر مستقیم نیز برنامه ایدایی و تبلیغاتی خود علیه ایران را پیگیری میکرد. این چنین بود که پروژه «فشار حداکثری» در دوره ریاست جمهوری ترامپ با ادعای ناکافی بودن برجام برای توقف رقیب پیشرفت هسته‌ای ایران، اقدام به تورن سدادی فلسطینی فرم‌بندی نیروی قدس سیاه پاسداران، ادعای تهدیدآمیز بدون توسعه فناوری موشکی آن و پیشنهاد ایجاد «اتوی عربی» و «پادفند مشترک با کشورهای خلیج فارس» پیگیری شد.

**گروه دیپلماسی: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز یکشنبه با صدور بیانیه‌ای نوشت:** «**افاتسل ماریانو گروسی**» مدیر کل آژانس بی هفته برای دیدارهای سطح بالا با دولت ایران به تهران سفر خواهد کرد و مشترک **جنبه‌های مربوط به بیانیه مشترک توافق شده با ایران در مارس ۲۰۲۳ بحث‌های فنی خواهد داشت.**

در این بیانیه که یک نسخه آن در تارنمای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منتشر شد، آمده است: دیدارها در تهران در آستانه گفتگوهای مدیرکل آژانس با «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر خواهد بود.

گروسی در همین بیانیه گفت: «ضوری است که ما در اجرای بیانیه مشترک توافق شده با ایران در مارس ۲۰۲۳ پیشرفت اساسی داشته باشیم.» وی تاکید کرد: «سفر من به تهران در این زمینه بسیار مهم خواهد بود.»

مدیرکل پیشتر گفته بود که برای حل‌وفصل مسائل باقی‌مانده پادمانی با ایران، آمده است که با دولت چهاردهم تعامل کند. وی در آخرین نشست شورای حکام آژانس که اواخر شهریور ماه برگزار شد، اظهار داشت: پس از انتخابات در ایران، من با رئیس جمهور پژوهشکیان مکاتبه کردم و تمایل خود را برای دیدار با او در تهران برای از سرگیری گفتگو و همکاری بین آژانس و ایران نشان دادم. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اضافه کرد که رئیس جمهوری

## مردم‌سالاری

## آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد

# سفر ویژه گروسی به تهران



ایران برای ملاقات با وی در فرصت مناسب موافقت کرده است.

گروسی سپس با «محمد اسلامی» رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در حاشیه نشست‌وهشتمین کنفرانس عمومی آژانس اتمی در وین ملاقات و با انتشار پیامی اعلام کرد که به زودی «برای دیدارهای مهم سیاسی و فنی» راهی تهران خواهد شد.

وی دو هفته پیش نیز با «کاظم غریب آبادی» معاون حقوقی و بین‌المللی وزیر امور خارجه کشورمان در وین دیدار و آن را یک ملاقات به‌موقع در آستانه سفرش به تهران



یک دیپلمات پیشین ایران با بیان اینکه ترامپ در مبارزات انتخاباتی اخیر ۲ مطلب مثبت و سازنده اعلام کرد مبنی بر اینکه به فلسطینی‌ها در غزه و کرانه باختری و نیز جنگ علیه کشور لبنان مواجه هستیم به اضافه تقابل نظامی ایران و اسرائیل.

وی ادامه داد: اگر ترامپ بخواهد به جنگ غزه خاتمه دهد، مستلزم آتش‌بس فوری، تخلیه غزه توسط نیروهای اسرائیل، تسالود اسرا و گروگان‌ها، بازگشت ۳٫۲ میلیون آواره فلسطینی به غزه و بازسازی غزه است. علاوه بر آن حل پایدار مسئله فلسطین هم از طریق اجرای قطعنامه‌های ممکن است. خاتمه دادن به جنگ لبنان هم مستلزم اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل است. اگر سیاست عملی ترامپ بر این اساس باشد، او می‌تواند در این چارچوب به دو جنگ مذکور خاتمه

## گروسی در دیدار با رهبران ایران



توصیف کرد.

بر اساس بیانیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گروسی در این سفر قرار است درباره نحوه پیشبرد بیانیه مشترک ۴ مارس با مقام‌های ارشد ایران رایزنی کند. بیانیه مشترک ۴ مارس، توافقی بود که اسفند ۱۴۰۱ میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با هدف حل‌وفصل تمامی مسائل باقی‌مانده صورت گرفت.

بر اساس این توافق، جمهوری اسلامی ایران به طور داوطلبانه با فعالیت‌های راستی آزمایی و نظارت بیشتر بازسان آژانس، در

### موسویان تشریح کرد

## تغییرات نامحسوس ترامپ

ایران است، بنابراین مذاکره با آمریکا بیهوده است و نباید به آمریکا اعتماد کرد و اگر مذاکره و توافقی هم بشود، آمریکا به آن پایبند نخواهد بود و تخلف خواهد کرد. تفکر دومی در ایران هم معتقد است با وجود همه این بدبینی‌ها، بهتر است که با آمریکا گفتگو و تعامل داشته باشیم. در مقطع فعلی در ایران پژوهشکیان رئیس جمهور است که یک حرف معتدل و معتقد به سیاست تعامل و گفت‌وگوست. دولت رفق تشنج‌ها در روابط با کشورهای منطقه وحشی‌ و کاشی خصومت‌های جاری بین ایران و بلوک غرب شامل آمریکا و اروپا، آماده است.وی ادامه داد: دولت پژوهشکیان تلاش می‌کند که ایران به عضویت اف ای تی اف در آید تا مشکلات روابط بانکی ایران با جهان حل شود و ششپات در مواردی همچون پولشویی و غیره از بین برود. لذا باید ببینیم که سیاست عملی ترامپ با ایران چه خواهد بود. ترامپ در مبارزات انتخاباتی اخیر دو مطلب مثبت و سازنده اعلام کرد. یکی اینکه به دنبال سیاست تغییر رژیم در ایران نیست و دوم اینکه صرفا خواستار این است که ایران بمب هسته‌ای نداشته باشد. اینکه دولت ترامپ به دنبال تغییر رژیم در ایران نباشد، بسیار مهم است.

## رویکرد احتمالی دولت ترامپ نسبت به ایران

انتظار نمایش‌های بی سر و ته وی علیه ایران و جنجال‌های تبلیغاتی و رسانه ای گسترده با محوریت این کشور توسط جریان‌های متحد و ترامپ را داشته باشیم. اساسا ترامپ و البته از چشم اندازی کلی قدرت‌های غربی از همین رهگذر بوده که همواره سعی داشته‌اند تا علیه ملت‌های مستقل در جهان اقدام کنند و منافع خود را به ضرر آن‌ها تأمین کنند. اصلی دولت ترامپ علیه ایران همچون دوره پیشین حضورش در قدرت، معطوف به مسائل اقتصادی خواهد بود.

<span></span>	<span></span>
<span></span>	<span></span>

کربن و تاب آور. حمایت بیشتری از ابتکارات موجود، مانند ابتکاراتی که در اجلاس آب و هوایی دبیرکل در سپتامبر ۲۰۱۴ راه‌اندازی شده، ارائه کرده و شرکای جدید را بسیج

و بستری را برای مشاهده اقدامات، تعهدات و نتایج آنها در آستانهCOP۲۱ فراهم آورد.

تغییرات اقلیمی اخیر (طوفان در شرق آمریکا و سیل در اسپانیا) نشان می‌دهد که این تغییرات پدیده‌هایی بین‌المللی هستند. ریزگردهایی که از عراق و شبه جزیره عربستان استان‌های غربی و جنوب غربی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهند، طوفان شن در استان سیستان و بلوچستان، خشک شدن تالاب‌ها و تغییرات اقلیمی دور از انتظار، موضوعاتی منطقه‌ای و بین‌المللی است که انتظار می‌رود در صورت مشارکت، نمایندگان دولت جمهوری اسلامی ایران در این اجلاس بین‌المللی مطرح شود.

پس از آن بود. دستور کار اقدام لیما-پاریس با تعهد مشترک روسای کنفرانس پاریس (پرو و فرانسه)، دفتر دبیرکل سازمان ملل متحد و دبیرخانه چارچوب تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد، اقدامات اقلیمی را در طول سال ۲۰۱۵ و در پاریس در دسامبر همان سال به طرق مختلف تقویت کرد؛ بسیج اقدامات جهانی قوی به سمت جوامع کم کربن و تاب آور. حمایت بیشتری از ابتکارات موجود، مانند ابتکاراتی که در اجلاس آب و هوایی دبیرکل در سپتامبر ۲۰۱۴ راه اندازی شده، ارائه کرده و شرکای جدید را بسیج و بستری را برای مشاهده اقدامات، تعهدات و نتایج آنها در آستانهCOP۲1 فراهم آورد. تغییرات اقلیمی اخیر (طوفان در شرق آمریکا و سیل در اسپانیا) نشان می‌دهد که این تغییرات پدیده‌هایی بین‌المللی شده‌اند.

دوشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۳ – ۹ جمعی‌الاول ۱۴۴۶ – ۱۱ نوامبر ۲۰۲۴ – سال بیست‌وسوم – شماره ۶۴۰

بولیونیک

### باز آرای رهبردی قطر در بحران غزه

حسن حمزه در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی می‌نویسد: در پی حوادث ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و تشدید درگیری‌ها در نوار غزه، نقش میانجی‌گرانه قطر در منطقه دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است. این یادداشت تلاش می‌کند تا با بررسی پیشینه روابط قطر و حماس، تحولات اخیر در موضع‌گیری دیپلماتیک دوحه و دلایل چرخش محتاطانه این کشور در قبال بحران غزه، تصویری روشن از موازنه‌سازی پیش‌دستانه قطر در برابر تحولات آینده منطقه ارائه دهد.

قطر دو دهه گذشته به عنوان یکی از مهم‌ترین میانجی‌گران منطقه‌ای ظهور کرده است. این کشور با اتخاذ رویکردی چندوجهی شامل دیپلماسی پیشگیرانه، میانجی‌گری ثالث و حمایت از راه‌حل‌های چندجانبه، توانسته در حل و فصل منازعات پیچیده منطقه‌ای نقش آفرینی کند. نمونه برجسته این میانجی‌گری‌ها، توافق دوحه در سال ۲۰۲۰ میان طالبان و ایالات متحده است که به میزبانی قطر به امضا رسید. این کشور همچنین از سال ۲۰۱۳ با ایجاد دفتر سیاسی طالبان در دوحه، زمینه را برای گفت‌وگوهای صلح فراهم کرد.

تلاش‌های میانجی‌گرانه قطر تنها محدود به افغانستان نبوده است. در بحران لیبی در سال ۲۰۲۲، دوحه با میزبانی گفت‌وگوهای طرف‌های درگیر، نقش مهمی در جلوگیری از تشدید جنگ داخلی ایفا کرد. علاوه بر این، قطر در مذاکرات هسته‌ای ایران نیز با میزبانی گفت‌وگوهای احیای برجام، تلاش کرد تا مواضع طرفین را با یکدیگر نزدیک کند.

#### پیشینه و زمینه روابط قطر و حماس

روابط قطر و حماس گرچه از سال ۲۰۰۶ و پس از پیروزی حماس در انتخابات قانونگذاری فلسطین آغاز شد، اما نقطه عطف این روابط به سال ۲۰۱۲ بازمی‌گردد. در این سال، دو رویداد مهم روابط دوحه – حماس را به مرحله جدیدی وارد کرد: نخست، سفر تاریخی شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر وقت قطر به نوار غزه تحت کنترل حماس که نخستین سفر یک رهبر عرب به این منطقه از زمان به قدرت رسیدن حماس در سال ۲۰۰۷ محسوب می‌شد. دوم، میزبانی دوحه از دفتر سیاسی حماس که به پایگاه اصلی تصمیم‌گیری این جنبش در خارج از فلسطین تبدیل شد.

استقرار دفتر سیاسی حماس در دوحه نقش مهمی در ارتقای جایگاه منطقه‌ای قطر ایفا کرد. این دفتر که میزبان رهبران ارشد حماس از جمله اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی و خالد منعل رئیس حماس در خارج بود، به قطر امکان داد تا به عنوان میانجی‌گر در مناقشه فلسطین – اسرائیل نقش آفرینی کند. حضور این دفتر در دوحه همچنین به قطر اجازه داد تا از طریق کمیته بازسازی غزه که در همان سال ۲۰۱۲ تأسیس شد، نقش مؤثری در بازسازی غزه پس از جنگ‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۱ ایفا کند. با این حال، روابط قطر – حماس همواره با چالش‌هایی همراه بوده است. از یک سنو، این روابط موجب انتقاد کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آنها شده و از سوی دیگر، قطر تلاش کرده تا یک حفظ روابط محدود با اسرائیل، نقش میانجی‌گری خود را حفظ کند. این روابط به ویژه پس از حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ با چالش‌های جدی مواجه شده است، به طوری که فشارهای آمریکا و اسرائیل بر قطر برای اعمال فشار بیشتر بر حماس افزایش یافته است.

اکونومیک

### سیاست ایالات متحده آمریکا در خصوص هند و توسعه بندر چابهار

حجت حدیدی

سیاست آمریکا در خصوص کریدور ترانزیتی چابهار – که برای هند و ایران به عنوان مسیری استراتژیک برای دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی توسعه یافته – پیچیده و چندوجهی است. از یک سو، این کریدور از دید ایالات متحده آمریکا می‌تواند به عنوان ابزاری برای تضعیف نفوذ پاکستان و چین در منطقه مفید باشد؛ از سوی دیگر، آمریکا نسبت به روابط نزدیک هند و ایران و توسعه اقتصادی ایران نگران است، زیرا می‌تواند به افزایش منابع مالی ایران و کاهش اثرات تحریم‌های اقتصادی این کشور منجر شود. در سال‌های اخیر، ایالات متحده سیاست دوگانه‌ای نسبت به کریدور چابهار اتخاذ کرده است. این کریدور در راستای منافع هند برای دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی و دور زدن پاکستان اهمیت دارد؛ بنابراین، آمریکا به‌طور کلی تلاش کرده است تا از این پروژه به عنوان ابزاری برای توسعه افغانستان و مقابله با نفوذ پاکستان در منطقه حمایت کند. به همین دلیل، در مواردی معلیف‌هایی برای هند در ارتباط با تحریم‌ها صادر کرده است تا توسعه این پروژه ادامه یابد. رشد چین و نفوذ آن در منطقه، به ویژه با اجرای طرح «کمربند و جاده» (BRI) و سرمایه‌گذاری عظیم چین در بندر گوادر پاکستان، سیاست آمریکا را پیچیده‌تر کرده است. ایالات متحده به دلیل رقابت استراتژیک با چین، نگران افزایش نفوذ این کشور در آسیای جنوبی و مرکزی است. در این راستا، ایالات متحده ممکن است توسعه چابهار را به عنوان مسیری برای توازن قوا در برابر نفوذ چین در نظر بگیرد، به ویژه اگر چابهار بتواند به یک جایگزین رقابتی در مقابل گوادر تبدیل شود. در آینده، سیاست آمریکا احتمالاً به دنبال یک تعادل خواهد بود. از یک طرف، ایالات متحده ممکن است همچنان به حمایت از توسعه کریدور چابهار برای هند و به عنوان یک شریک استراتژیک در منطقه ادامه دهد و از آن به عنوان ابزاری برای تضعیف نفوذ چین و پاکستان استفاده کند. از طرف دیگر، چنانچه همکاری هند و ایران در این پروژه به گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی ایران منجر شود، ممکن است آمریکا مجدداً فشارهای خود را افزایش دهد تا مانع از تقویت ایران شود. بندر چابهار نمونه‌ای از همکاری استراتژیک هند و ایران در منطقه و ترویج منافع اقتصادی و سیاسی مشترک است. از سوی دیگر، این پروژه به عنوان بخشی از سیاست‌های منطقه‌ای هند برای گسترش نفوذ در آسیای مرکزی و تقویت جایگاه خود در توازن قوا برای مقابله با نفوذ چین و پاکستان قابل توجه است. با این حال، آینده این پروژه به عواملی مانند تغییرات ژئوپلیتیکی، سیاست‌های داخلی و بین‌المللی هر دو کشور، و تحولات جهانی وابسته است. بندر چابهار به‌عنوان یک پروژه استراتژیک برای ایران و هند، نقش کلیدی در برنامه‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی هر دو کشور ایفا می‌کند. این بندر که در جنوب شرقی ایران و در کرانه دریای عمان واقع شده، نه‌تنها یک شاهراه تجاری برای ایران محسوب می‌شود بلکه به هند نیز فرصتی طلایی برای توسعه همکاری‌های تجاری و تقویت نفوذ خود در منطقه ارائه می‌دهد. در واقع، چابهار برای هند امکان دسترسی مستقیم به افغانستان و آسیای مرکزی را فراهم می‌آورد و به دلی‌نو اجازه می‌دهد که این مسیر را بدون نیاز به عبور از پاکستان و با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های اقتصادی این بندر به انجام رساند.